

پرسش و پاسخ در باره‌ی عاشورای حسینی

ترجمه‌ی

الأجوبة النورانية في مسائل الشعائر الحسينية

مؤلف:

موالی غیور

مترجم:

کتابخانه عقیده

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۵.....	زمان رواج آداب و مراسم عاشورا
۸.....	موضع‌گیری امامان در برابر مراسم حسینی
۱۴.....	پوشش سیاه
۱۵.....	شرایط و مراسم زنان در روز عاشورا
۱۸.....	رزوهی عاشورا
۲۰.....	موضع‌گیری امامان در برابر ساختن بنا بر قبرها

مقدمه

شکر و سپاس برای خداوند جهانیان و سلام و درود بر سرور پیامبران، حضرت محمد ﷺ و بر خاندان پاک و مطهرش.

آنچه پیش روی دارید، متنی است زیبا و دلنشین، حاوی گفته‌های کوتاهی که من تنها به عنوان گردآورندای آن را از مهمترین کتاب‌ها و منابع نقل و جمع‌آوری کرده‌ام. کسی که دوستدار حقیقت است در قضاوت عجله نمی‌کند، به درستی حقیقت باارزش است و هر انسان عاقلی به دنبال آن است، هر کس در جستجوی حقیقت به سختی می‌افتد، پس از دست یافتن به آن به آسایش و راحتی می‌رسد و لذت آن را درک می‌کند.

آری، چنین است؛ حرکت و تلاش در راه جستجو و یافتن حقیقت سخت و دشوار است، اما چاره‌ای جز آن نیست، پیشوایان دینی بسیار تلاش کرده‌اند و وقتشان را برای بیان آداب و دستورهای دینی و کشف حقیقت آن به کار برده‌اند، تا جایی که سرور جوانان اهل بهشت حسین علیه السلام جان و روحش را در راه پیروزی این دین و بیان آداب اسلام و حقیقت آن فدا کرد، ما نیز وظیفه داریم که در بیان حقایق و جستجوی آن‌ها تلاش کنیم.

این نوشته‌ها سؤال و جواب‌های کوتاهی است در مورد روزهای عاشورا، و همچنین در مورد برخی مسائل مهم دیگر، مانند عزاداری، زیارت قبر و بردباری در هنگام رویارویی با مشکلات؛ زیرا انسان مؤمن کسی است که وقتی با سختی‌ها روبرو می‌شود، صبور و بردبار باشد؛ - همان طور که در قرآن آمده، - آیه‌ی: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ «ما از آن الله هستیم و به سوی الله باز می‌گردیم.» (بقره: ۱۵۶) بر زبان بیاورد.

پاسخ به این سؤال‌ها نیز از روایت‌هایی صحیح و مستند از پیشوایان دینی و دانشمندان از میان پیشینیان و بزرگان پس از آن‌ها آورده شده است، که بسیار مختصر آن را بیان کرده‌ام.

به خاطر بزرگی و مقام ویژه‌ی امامان و نیز برای خودداری از تقلید کورکورانه‌ای که باعث تضعیف ما شده و قرن‌ها در گمراهی‌های ناشی از آن زندگی کرده‌ایم و از این و آن تقلید محض کرده‌ایم، گویی که اصلاً خود عقل نداشته‌ایم، از آن‌ها روایاتی آورده‌ایم. با وجود آن که دین به علم و تلاش و کوشش دعوت می‌کند، مذهب امامی نیز به تلاش دعوت می‌کند و راه تلاش و زحمت، همیشه برای همگان باز است؛ اما ترس عجیبی در این میان هست که مانع تلاش روشنفکران می‌شود، چه برسد به مردم عادی، و ما جز تقلید و پیروی از مراجع راه دیگری نداریم ... و اینک این شما و این پرتوهایی از سخنان امامان شیعه‌ی اثنی عشری.

در پایان مرا از دعای خیر خود بی‌نصیب نگردانید.

زمان رواج آداب و مراسم عاشورا

س: نظر شما درباره‌ی مراسم عاشورا چیست و چه پاسخی دارید به کسانی که معتقدند مراسم عاشورا در زمان امامان وجود نداشته، بنابراین مشروعیت ندارد؟

ج: آیت‌الله العظمی جواد تبریزی، چنین به این سؤال پاسخ داده: شیعه‌ها در زمان ائمه (ع) - به خاطر عدم امکان برگزاری - با تقیه زندگی می‌کردند و عدم وجود این مراسم در آن زمان‌ها دلیل بر عدم مشروعیت آن نیست. و اگر شیعه در زمان گذشته، مانند شیعه‌های امروزی زندگی می‌کردند، از لحاظ امکان آشکارا برگزارکردن مراسم، آن‌ها نیز مانند ما تمام این مراسم را برگزار می‌کردند، مثل نصب کردن پرچم‌های سیاه بر در حسینیه‌ها و خانه‌ها برای بیان غم و اندوه. (ضمیمه‌ی جزء دوم از مرآة‌النجاه اثر آیت‌الله خویی، ص ۵۶۲ چ- ۱۴۱۷هـ).

علی حسینی فانی اصفهانی نیز چنین جوابی داده و گفته: همانا این کارها در زمان امامان مرسوم نبوده، در حالی که آن‌ها خود صاحب مصیبت‌اند و شایسته‌تراند به این که عزادار حسین باشند، و در احادیث نیز دستوری از جانب ائمه برای انجام این آیین‌ها نیامده است، این‌ها اموری است که شیعه آن را به وجود آورده و آن‌ها را مراسم مذهبی نامیده‌اند، و روایت شده که هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی، عاقبتش آتش خواهد بود.

فانی اصفهانی در جواب گفته است: جواب بسیار واضح و روشن است؛ چون هر چیز جدیدی بدعت نیست، بدعت ناپسند عبارت است از روا دانستن حکمی پیشنهادی که نه در دین بوده و نه جزو دین است. روایات بسیاری در نکوهش بدعت و بدعت‌گذار آمده است، که نشان دهنده‌ی وجود قانون‌گذاری در دین است. بلکه مانند حکم عقل درباره‌ی قانون‌گذاری از جانب کسی غیر از قانون‌گذار به عنوان این که قانونی خدایی و برگرفته از

وحی آسمانی است، می‌باشد. اگر این طور نیست، پس شبه‌هایی که روایت‌هایی در دوری از آن‌ها نقل شده و حکم به کیفر به خاطر آن چه جایگاهی دارد؟ روشن و آشکار است که مراسم و آیین‌های عاشورا این چنین نبوده و این کاری است که امروزه به وجود آمده و کاری عمدی است، مانند ساختن شبیهی برای عاشورا، پس فقیه حق دارد، که در مورد جایز بودن آن آیین‌ها حکمی را صادر کند. به خاطر وجود گریه در آن که منظور من همان تعزیه است که باید وجه آشکاری داشته باشد، ما می‌بینیم که نوع عزاداری در میان ملت‌های مختلف متفاوت است و آن چه که در میان شیعیان رایج است، چیزی نیست که شرع از آن نهی کرده یا عقل آن را زشت شمرده باشد، و کسی که شک می‌کند باید مفهوم بدعت را بداند. سپس اگر بتواند آن را بر آنچه می‌خواهد تطبیق دهد. (مقتل الحسین، از مرتضی عیاد، ص ۱۹۲).

حسن مغنیه گفته است: در دوره‌ی بنی بویه، در قرن چهارم هـ عزاداری عاشورا، آزاد گشت؛ یعنی عزاداری مراسم عاشورا تا این زمان شناسانده نشده، مگر توسط بویهی‌ها، پس چنان که شایسته بود در بغداد و عراق و همه‌ی خراسان، ماوراءالنهر و در تمام دنیا این عزاداری‌ها غم‌آلود ظاهر شد، چرا که پوشش سیاه تمام سرزمین‌ها را فرا گرفت، مردم چنان غمگین بودند گویی که با سخت‌ترین و تازه‌ترین مصیبت روبرو شده‌اند، چنین حالتی در زمان حمدانی‌ها در حلب و موصل و اطراف آن‌ها به وجود آمد. اما در زمان فاطمیان مراسم عاشورا به پیروی از مراسم بغداد برگزار می‌شد، و این مراسم خلاصه می‌شد به اصول ساده‌ای که در همه‌ی کشورهای اسلامی و عربی به ویژه در عراق، ایران، هند و سوریه و حجاز برگزار می‌شد. و عزاداری و نوحه‌خوانی وجود داشت و مردم گریه و زاری سر می‌دادند و به تدریج برپاداری مراسم عاشورای حسینی یکی از نمادهای خدمت به حق و اعلان حقیقت بود. (آداب المنابر، ص ۱۹۲).

یعنی قبل از بویهی‌ها و فاطمی‌ها نشانه‌ای از خدمت به حقیقت و آشکار شدن آن نبود، تا این که آن‌ها آمدند و آن را چنان مقام و موقعیتی بخشیدند.

پس آیت‌الله حسن شیرازی دوره‌هایی را که این مراسم طی کرده، از نظر می‌گذراند و - به گمان خودش - از ظلمی که مانع بیان و برگزاری مراسم و آیین‌های عاشورا توسط شیعیان بوده، شکایت کرده. همچنین می‌گوید: اما شیعیان هنگامی که در زیر سیطره‌ی بنی‌امیه و بنی‌عباس بودند نمی‌توانستند به راحتی این‌ها را ابراز کنند و گاهی شرایط سخت بر آن‌ها حاکم بود و چون شرایط بر وفق مراد شد، شیوه‌ی ابراز آن‌ها نیز مختلف شد. (مراسم حسینی، آیت‌الله شیرازی، ص ۹۷ و ۹۸).

موضع‌گیری امامان در برابر مراسم حسینی

س: آیا از پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام متنی درباره‌ی آیین‌های عاشورا مانند سینه‌زنی، نوحه، پوشیدن لباس سیاه و انواع عزاداری‌های دیگر آمده است؟

ج: علامه محمد بن حسین بن بابویه قمی ملقب به صدوق به این سؤال پاسخ گفته، وی می‌گوید: از جمله فرموده‌های پیامبر یکی این است که: «نوحه از کارهای دوران جاهلیت است» (من لایحضره الفقیه ۴/۲۷۱-۲۷۲) که محمدباقر مجلسی آن را چنین روایت کرده: «نوحه از کارهای جاهلی است» (بحارالانوار، ۱۰۳/۸۲). گروهی از دانشمندان محقق از جمله نوری و بروجردی از پیامبر روایت کرده‌اند که فرمود: «دو صدا منفورند که خداوند آن‌ها را دوست ندارد، گریه کردن با صدای بلند هنگام بلا و سختی و بلند کردن صدا برای نوحه‌خوانی و مرتیه» (بحارالانوار ۱۰۱/۸۲).

از جمله‌ی این روایت‌ها، نوشته‌ای از طرف حضرت علی به رفاعه بن شداد است که در نهج‌البلاغه آمده و در آن گفته است که: «از زاری با صدای بلند و نوحه بر مرده در سرزمینی که بر آن قدرت دارید، پرهیزید». (مستدرک الوسائل ۱/۱۴۴). و از فرموده‌های پیامبر است که: «من شما را از نوحه و گریه با صدای بلند نهی می‌کنم». (جامع‌أحادیث‌الشیعة ۳/۳۷۲).

همچنین جابر از پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمود: «من شما را از نوحه و از دو صدای زشت نهی کردم؛ صدایی در هنگام لهو و لعب و آوازهای شیطانی، و نوحه هنگام رویارویی با مصیبت‌ها و سختی‌ها، و نیز خودزنی و پاره کردن یقه و وسوسه‌ی شیطان» (مستدرک الوسائل ۱/۱۴۵).

از علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «انجام دادن سه کار همانند کارهای دوران جاهلیت است و مردم تا روز قیامت از آن دست برنمی‌دارند: طالع‌بینی با ستارگان، بدگویی از گذشتگان، نوحه بر مرده» (بحارالانوار ۱۰۱/۸۲).

کلینی دوباره از جعفر صادق روایت کرده که می‌فرماید: «داد و فریاد بر مرده شایسته و درست نیست، اما مردم نمی‌دانند». (الکافی ۳/۳۲۶).

کلینی دوباره از جعفر صادق روایت کرده که می‌فرماید: «داد و فریاد بر مرده و پاره کردن لباس هنگام مصیبت شایسته نیست». (الکافی ۳/۲۲۵).

ملا باقر مجلسی از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: «وقتی ابراهیم فرزند پیامبر فوت کردند به من فرمودند که او را غسل دهند و پیامبر خودشان او را کفن کردند و به من فرمود: ای علی، او را به بقیع ببر. سپس بر او نماز خواند. وقتی پیامبر فرزندش را در این حالت دید گریه کرد و مسلمانان نیز گریه می‌کردند. تا این که صدای مردان از صدای زنان بلندتر شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را به شدت نهی کرد و فرمود: «با چشم گریه کنیم و با قلب احساس ناراحتی و اندوه، و هر چیزی که خداوند را ناراحت می‌کند به کار نمی‌بریم و انجام نمی‌دهیم. ای ابراهیم! به راستی که ما به خاطر تو مصیبت زده شده‌ایم و بر تو اندوهناکیم...». (بحارالانوار ۱۰۰/۸۲ - ۱۰۱).

پس برادر مسلمان! ببین که پیامبر چگونه از بلند شدن صدای گریه نهی کرده است. همچنین پیامبر از فریاد و ناله کردن هنگام مصیبت و نوحه کردن و گوش دادن به آن نهی کرده است.

کلینی از فضل بن میسر روایت کرده است: که ما نزد ابی عبدالله علیه السلام بودیم که مردی پیش او آمد و از مصیبتی که برایش پیش آمده بود شکایت کرد. ابو عبدالله به او گفت: اگر صبر پیشه کنی به اجر و پاداشت می‌رسی و اگر بر مصیبت صبر نکنی قضا و قدر خداوند بر تو وارد می‌شود و تو مورد حمایت قرار نمی‌گیری (الکافی ۳/۲۲۵).

از جعفر صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «صبر و بلا به سوی انسان با ایمان پیشی می‌گیرند، بلا بر سرش وارد می‌شود در حالی که او صبور است. بلا، مصیبت و بی‌تابی بر

انسان ناسپاس پیشی می‌گیرد و بر او اثر می‌گذارد و هرگاه دچار مصیبت می‌شود، بسیار بی‌تابی می‌کند». (الذکری، ص ۷۱).

محمد بن مکی عاملی ملقب به شهید اول گفته است: «شیخ در المبسوط و ابن حمزه، نوحه و دعا را ممنوع کرده‌اند. و شیخ گفته که بر آن اجماع دارند». (الذکری ص ۷۲، بحارالانوار ۱۰۷/۸۲).

شیخ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ طایفه نوحه را حرام کرده و ادعا کرده که در آن اجماع دارند؛ یعنی تا زمان طوسی شیعه همگی بر ممنوع بودن نوحه و داد و فریادی که هم اکنون در حسینیه‌ها هست نبوده و چنان که اشاره کردیم با شیوه‌ی درست امامان اهل بیت مخالفت دارد، اجماع داشته‌اند. آیت‌الله العظمی محمد حسینی شیرازی گفته است که: «شیخ در المبسوط و ابن حمزه مطلقاً نوحه را ممنوع کرده‌اند» (فقه ۲۵۳/۱۵).

شیرازی گفته است: «در کتاب جواهر سینه‌زنی و داد و فریاد کردن ممنوع شده است». (فقه ۲۶۰/۱۵).

باقر (ع) می‌فرماید: «از شدیدترین بی‌تابی‌ها فریاد با آه و ناله و زدن بر صورت و سینه و کندن موهای سر است، و کسی که نوحه سر دهد جانب صبر را رها کرده و به راه دیگری رفته است». (الکافی ۲۲۲/۳ - ۲۲۳)، و سائل شیعه (۹۱۵/۲)، بحارالانوار (۸۹/۸۲).

از گفته‌های امام صادق (ع) است که فرمود: «کسی که در هنگام مصیبت با حالت تضرع و اندوه دستش را به رانش می‌کوبد، پاداش مصیبتش از بین می‌رود». (۲۲۵/۳).

من می‌گویم: چه برسد به کسی که صورتش را در هنگام عزاداری می‌زند و در باب مخالفت با فرموده‌ی پیامبر بر می‌آید و اجرش را ضایع می‌کند؟»

نیز پیامبر ﷺ فرموده است: «کسی که صورتش را بزند و گریبانش را پاره کند از ما نیست». (مستدرک الوسائل ۱/۱۴۴).

دکتر محمد تیجانی سماوی آورده است که از محمد باقر صدر درباره‌ی این سوال پرسیده و محمدباقر صدر به او جواب داده که این حدیثی صحیح است و در آن شکی نیست. (ثم اهدیت، ص ۵۸).

از یحیی بن خالد آمده است که گفت: «مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: انجام دادن چه کاری در هنگام مصیبت و بلا پاداش را ضایع می‌کند، پیامبر فرمود: مردی که دستانش را بر هم بکوبد. و صبر هنگام مصیبتی بزرگ اگر نسبت به آن راضی و صبور باشد، باعث می‌شود که خداوند نیز از او خشنود باشد و کسی که ناراحت است، ناراحتی نصیبتش را می‌شود. پیامبر ﷺ فرمود: من ناخرسندم از کسی که موی سرش را می‌کند و صورتش را می‌زند و صدایش را در عزاداری بلند می‌کند». (جامع احادیث الشیعه ۴۸۹/۳).

جعفر بن محمد از اجدادش روایت کرده است که فرمود: «پیامبر ﷺ در حدیثی درباره‌ی منهیات، از داد و فریاد کردن هنگام مصیبت، نوحه‌کردن و گوش‌دادن به آن و کندن سر و صورت نهی کرده است». (من لایحضره الفقیه: ۴-۳/۴).

محمد بن مکی عاملی گفته است: «زدن صورت، کندن پوست و مو، همگی حرام است»، و همو در المبسوط گفته است: «این‌ها بی‌تابی و ناراحتی نسبت به تقدیر خداوند است». (فی الذکری، ۲۶۰/۱۵)

شیرازی گفته: «زدن به چهره (هنگام مصیبت) و کندن موی حرام است». (الفقه ۶۰۲/۱۵).
دکتر محمد تیجانی سماوی به گریه‌ی پیامبر ﷺ برای عمویش ابوطالب و حمزه و همسرش خدیجه اشاره می‌کند و می‌گوید: «پیامبر در تمامی این احوال آرام و با سوز می‌گریست ... اما به شدت از خراشیدن صورت و پاره کردن گریبان هنگام ناراحتی نهی کرده است چه برسد به زدن بدن با زنجیر به طوری که خون جاری شود» (برگرفته از کتاب کل الحلول ص ۱۵۱).

سپس تیجانی از علی علیه السلام یاد می‌کند که او بعد از وفات پیامبر کارهایی را که امروزه عوام شیعه انجام می‌دهند انجام نداد، حسن، حسین و سجاد علیهم السلام نیز چنین کارهایی انجام نداده‌اند. تیجانی درباره‌ی سجاد رضی الله عنه می‌گوید: «امام سجاد در فاجعه‌ای حضور داشت که هیچ کس در آن نبود. یعنی در جایی که بقیه عوام شیعه نبودند. او با چشمان خودش حادثه‌ی کربلا را دید که در آنجا، پدر، عموهایش و برادرش همگی شهید شدند و مصیبت‌هایی را دید که کوه هم تاب تحمل آن را نداشت و چنین مصیبتی در تاریخ برای هیچ یک از امامان پیش نیامده، با این حال در هیچ تاریخی نیامده که او این چنین عزاداری‌هایی را راه انداخته یا پیروان و شیعیانش را به انجام آن سفارش کرده است.» (کل الحلول، ص ۱۵۱)

تیجانی اضافه کرده است: «آنچه که بعضی از شیعیان در هنگام مصیبت‌ها انجام می‌دهند در دین وجود ندارد؛ اگرچه مجتهدان اجتهاد کنند و مفتیان به آن فتوا دهند تا برای آن اجر و پاداش فراوانی اعلام کنند، بلکه تنها عادت‌ها و آداب و احساساتی است که بر آن‌هایی که انجامش می‌دهند، طغیان می‌کند و با آن الفت می‌گیرد و اندک اندک به عنوان سنت قومی که فرزندان از پدرانشان در تقلید کورکورانه و بدون آگاهی آن را به کار می‌گیرند، درمی‌آید. حتی بعضی از عوام احساس می‌کنند که اگر خودشان را بزنند و خونشان جاری شود موجب نزدیکی آن‌ها به خداوند می‌شود و بعضی دیگر معتقدند که اگر این کار را انجام ندهد امام حسین را دوست ندارد.» (کل الحلول، ص ۱۴۸)

تیجانی در ادامه می‌گوید: «از دیدن این مناظر که دل و جان را بر هم می‌زند و عقل سلیم از آن گریزان است، متنفرم. مثلاً این که مردی خودش را برهنه می‌کند و زنجیر به دستش می‌گیرد و با حرکات جنون‌آمیز خودش را می‌زند و با صدای بلند فریاد حسین بر می‌آورد و نسبت به این کار آگاهی ندارد، عجیب این است که می‌بیند همان‌هایی که حالت عادی خود را از دست داده‌اند و گمان می‌کنند که اندوه سر تا پایشان را فرا گرفته است، لحظات کوتاهی پس از پایان عزاداری می‌خورند و می‌نوشند و

می‌خندند و شوخی می‌کنند و به خوشگذرانی می‌پردازند. در واقع با پایان مراسم هر نوع عزایی پایان می‌پذیرد. شگفت‌انگیزتر این که بیشتر آن‌ها هیچ گونه پابندی به دین ندارند. برای همین است که به خودم اجازه می‌دهم که بارها به طور مستقیم از آن‌ها انتقاد کنم و به آن‌ها بگویم که آنچه انجام می‌دهند نسبت به قومی و تقلیدی کورکورانه‌ای بیش نیست». (کل الحلول، ص ۱۴۹)

شیخ حسن مغنیه نیز چنین نظری دارد و می‌گوید: «زدن به سر با خنجر و شمشیر و ریختن خون چیزهایی است که در اسلام نیامده و هیچ ربطی به اسلام ندارد و نص صریح و روشنی در مورد آن‌ها نیامده و تنها یک احساس با ارزشی است که به خاطر خون‌های پاکی که در کربلا ریخته شده در جان ایمانداران بروز می‌کند». (آداب المنابر، ص ۱۸۲)

پوشش سیاه

س: حکم لباس سیاه در عاشورا چیست؟

ج: سوال شده که حکم گذاشتن کلاه سیاه بر سر در نماز چیست؟ امام جواب داده است: «با آن نماز نخوانید که پوشش اهل جهنم است». (من لایحضره الفقیه ۱/۱۶۲)

یاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام از او روایت کرده‌اند که فرمود: «لباس سیاه نپوشید چرا که لباس فرعون است». (من لایحضره الفقیه ۱/۱۶۳)

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که گفت: «لباس سیاه جز برای سه مورد مکروه است: دستار، کفش و عبا». (من لایحضره الفقیه ۱/۱۶۳)

جبرئیل علیه السلام با لباس سیاه و کمربندی که خنجر در لای آن بود نزد پیامبر آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این چه لباسی است؟ جبرئیل گفت: ای پیامبر خدا، لباس پسر عموی تو عباس است. ای محمد، وای بر پسر عمویت. پیامبر به سوی عباس رفت و گفت: ای عمو وای بر پسرت! چه لباسی است بر تن کرده؟ گفت: ای رسول خدا! چکار کنم؟ پیامبر در پاسخ فرمود: تو باید کاری کنی که او از تو الگو بگیرد. (من لایحضره الفقیه ۱/۱۶۳)

شرایط و مراسم زنان در روز عاشورا

س: زنان بیشترین کسانی هستند که گریه و نوحه می‌کنند، آیا این اجازه به آنها داده شده است؟ لطفاً مستفیض بفرمایید.

ج: اختارها و هشدارهایی در روایت مورد اشاره آمده و به طور مساوی هم شامل زنان می‌شود و هم شامل مردان. علاوه بر آن نکته‌هایی را یادآوری می‌کنیم که به ویژه در مورد زنان آمده است. تا زنان شیعه که در حسینه‌ها برای عزاداری حضور می‌یابند، ملاحظه کنند و آن را به کار گیرند.

حضرت حسین علیه السلام به خواهرش زینب هنگامی که عزاداری می‌کرد و سر و صورتش را می‌زد و گریبانش را پاره می‌کرد، گفت: «ای خواهرم! از خدا بترس و با آرامش الهی تسلی پیدا کن و بدان که تمام اهل زمین می‌میرند و آنچه در آسمان است نیز باقی نمی‌ماند و همه چیز از بین می‌رود مگر ذات پروردگار، که او مخلوقاتش را با قدرتش خلق کرده و آنها را به سوی خود باز می‌گرداند و او خدای یکتاست. پدر و مادرم و برادرم از من بهترند. برای من و هر مسلمانی پیامبر الگو و نمونه‌ای والاست.» حسین این گونه خواهرش را تسلیت می‌داد. سپس به او گفت: ای خواهرم من تو را قسم می‌دهم. پس قسم را اجرا کن، هنگامی که کشته شدم، گریبان‌ت را به خاطر من پاره نکن و سر و صورتت را نزن و بر من شیون و ناله سر نده». (این روایت را ابن طاووس در الملهوف، ص ۵۰ آورده و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوه ۲۰۹/۵ ذکر کرده).

روایت دیگری آمده است که گفت: «ای خواهرانم، ای ام‌کلثوم، ای فاطمه، ای رباب! توجه کنید هنگامی که شهید شدم گریبان‌تان را پاره نکنید و صورتتان را نخراشید». (این روایت را عبدالرزاق موسوی در بیان کشتن حسین آورده (ص: ۲۱۸)).

و نیز در روایت دیگری آمده است که گفت: «ای خواهرم! پیش تو قسم می‌خورم و قسم را اجرا کن، به خاطر من گریبانت را پاره نکن و صورتت را نخراش و هنگامی که من شهید شدم با صدای بلند و زاری مرا نخوان، که اگر این کار را بکنی من نابود می‌شوم». (استدراک الوسائل (۱/۱۴۴)، مظالم اهل بیت (ص ۲۶۴)، و نیز رجوع شود به کتاب: علی خط حسین (ص ۱۱۶)، نظلم الزهراء (ص ۱۹۰) و غیره).

ما چگونه به فرموده‌ی حسین علیه السلام می‌نگریم؟

صدوق و دیگران از عمرین مقدم روایت کرده‌اند که گفت: «از ابو حسن و ابا جعفر شنیدم که آن‌ها این گفته‌ی خداوند عزّ و جل را تکرار می‌کردند و می‌گفتند: ﴿وَلَا يَعْصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾ (ممتحنه: ۱۲) (در آنچه که معروف و پسندیده است از تو سرپیچی نکنند) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه گفت: «اگر من مردم سر و صورتت را زن و صدایت را بلند نکن و بر من نوحه نخوان». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این همان کار پسندیده‌ای است که خداوند فرموده: «در آنچه که معروف و پسندیده است از تو سرپیچی نکنند». (معانی الاخبار (ص: ۳۹۰)، وسائل شیعہ (۲/۹۱۵-۹۱۶)، و شیخ محمد حسین فضل الله در الندوه (۷۲/۵) آن را آورده است).

ابی عبدالله نیز این فرموده‌ی خداوند را تکرار کرده و گفته است: «کار معروف و پسندیده برای زنان آن است که گریبانشان را پاره نکنند و صورتشان را نزنند و صدایشان را بلند نکنند و بر قبرها ننشینند». (تفسیر نور الثقلین ۳۰۸/۵)

از ابو سعید روایت شده که گفت: «پیامبر نوحه‌گر را لعنت کرده است». (مستدرک الوسائل (۱/۱۴۴)، البحار (۸۲/۹۳))

هنگامی که علی علیه السلام گریه زنان بر شهیدان جنگ صفین را شنید و شرحییل شامی از سرشناسان قومش بود، پیشش آمد. علی علیه السلام گفت: «آیا آن چنان که می‌شنوم صدای بلند از زنان شماست؟ چرا آن‌ها را از این گریه و ناله نهی نمی‌کنید؟». (جامع أحادیث شیعہ ۳/۳۸۷، نیز نگاه کنید به البحار (۸۲/۸۹)).

از ابی عبدالله روایت شده که گفت: «کسی که نعمتی از طرف خداوند به او داده شده و آواز و سرود نامناسبی با آن سر دهد و نیز کسی که مصیبتی بر او وارد شده است و در هنگام مصیبت بی‌تابی و نوحه کند، کفر ورزیده است (در روایت دیگری) عملش پوچ و بیهوده است». (وسائل الشیعه ۹۰/۱۲)

جعفر بن محمد از زبان پدرش وصیت پیامبر ﷺ به علی علیه السلام را بیان کرده و گفته است: «ای علی کسی که از زنش اطاعت کند خداوند او را در آتش می‌اندازد. علی پرسید: چه اطاعتی؟ پیامبر فرمود: این که به او اجازه دهد در عزاداری و عروسی شرکت کند، نوحه برپا کند و لباس نازک بپوشد». (وسائل الشیعه ۳۷۶/۱)

صدوق و دیگران از جعفر بن محمد و او از پدرش، از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: «رسول الله ﷺ فرمود: چهار چیز در میان امت من وجود دارد که تا روز قیامت از بین نمی‌رود: فخر فروشی، مال و منال، طعنه زدن و بدگویی نسبت به گذشتگان و طالع بینی به وسیله ستارگان و نوحه و عزا. و همچنین پیامبر فرمود: نوحه‌گر اگر قبل از مردنش توبه نکند در روز قیامت لباس و عبایی از رنگ سیاه بر تن دارد». (الخصال، ص: ۲۲۶)

جعفر بن محمد هنگام مرگ وصیت کرد و گفت: «زنان نباید صورتشان را بزنند و گریبانشان را پاره کنند، هر زنی که در نوحه یقه‌اش را پاره کند در جهنم سختهایی در انتظارش خواهد بود که هرچه او بیشتر این کار را انجام دهد، بیشتر خواهد شد». (بحار الأنوار ۱۰۱/۸۳)

علی علیه السلام می‌فرماید: «پیامبر ﷺ از زنان تعهد گرفت که نوحه نکنند و در مصیبت و سختی صورتشان را نخراشند و با مردان خلوت نکنند». (بحار الأنوار ۱۰۱/۸۲)

روزه‌ی عاشورا

س: آیا از امامان علیهم‌السلام چیزی در مورد روزه‌ی عاشورا روایت شده است؟

ج: ابی‌عبدالله از پدرش علی علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «روز عاشورا را روزه بگیرید، روز نهم و دهم؛ چرا که این روزه کفاره‌ی گناهان یک سال است». (تهذیب الاحکام (۲۹۹/۴)، استبصار (۱۳۴/۲)).

از ابو حسن علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روز عاشورا روزه می‌گرفت». (تهذیب الاحکام ۲۹/۴)

جعفر از پدرش علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «روزه‌ی عاشورا کفاره‌ی یک سال می‌باشد». (تهذیب الاحکام ۳۰۰/۴)

از صادق علیه‌السلام روایت شده که می‌فرماید: «کسی که بتواند ماه محرم روزه بگیرد، از هر زشتی و بدی دور می‌شود». (وسائل الشیعة ۳۴۷/۷)

از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده که فرمود: «برترین نماز بعد از نمازهای واجب، نماز شب می‌باشد و برترین روزه بعد از روزه‌ی رمضان، روزه‌ی ماه محرم است». (جامع احادیث شیعه ۴۷۴/۹).

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «در عاشورا، روزهای نهم و دهم برای احتیاط روزه بگیرید که آن کفاره‌ی یک سال می‌باشد و اگر کسی ندانسته چیزی بخورد و بقیه‌ی روزه‌اش را تمام نکند قبول است». (مستدرک الوسائل ۵۹۴/۱)

از عباس رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «اگر هلال محرم را دیدید روزها را بشمارید تا به روز نهم می‌رسد، بعد روزه بگیرید. پرسیدند آیا پیامبر چنین روزه می‌گرفت؟ گفت: بله». (إقبال الأعمال ص: ۵۵۴، وسائل الشیعة ۳۴۷/۷)

از رضی‌الدین ابو قاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس روایت شده که گفت: «روایات بسیاری در مورد تشویق و دعوت به روزه گرفتن در محرم آمده است». (اقبال الاعمال ص: ۵۵۸)

نوری طبرسی از جعفر بن محمد علیه السلام روایت کرده که می‌فرماید: «کشتی نوح علیه السلام در روز عاشورا بر خشکی قرار گرفت و نوح به انسان و جن که همراه او بودند گفت: روزه بگیرید، همچنین عاشورا روزی است که خداوند توبه‌ی آدم را قبول کرد و او را بخشید». (مستدرک الوسائل ۱/۵۹۴)

موضع‌گیری امامان در برابر ساختن بنا بر قبرها

س: بعضی از محققین نهی از ساختن بنا بر قبرها را به امامان نسبت داده‌اند، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: بله، پیامبر و همچنین بعد از ایشان امامان از ساختن بنا بر قبر نهی کرده‌اند، مثلاً از ابی عبدالله علیه السلام روایت شده که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله از نماز خواندن بر قبر، نشستن بر آن و ساختن بنا بر قبر نهی کرده است». (مستدرک الوسائل ۲/۸۶۹)

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: «که او از تزیین و گچ‌کاری و ساختن بنا بر قبرها و همچنین نشستن بر آن نهی کرده». (مستدرک الوسائل ۱/۱۲۷)

بنابراین، امامان این سفارش را از همدیگر نقل کرده‌اند، مثلاً از صادق روایت کرده‌اند که گفت: «خوردن مال حرام در هفت مورد است: رشوه در قضاوت، مزد کار ناروا، دادن اجر و پاداش به کاهن و پیشگو، ارزشگذاری برای سگ و ساختن بنا بر قبرها». (مستدرک الوسائل ۱/۱۲۷)

از علی بن جعفر روایت شده که فرمود: «از ابو الحسن درباره‌ی ساختن و ساز بر قبر و نشستن بر آن سوال کردم که آیا درست است؟ وی در جواب گفت: بنا ساختن بر قبر و نشستن بر آن و آراستن و تزیین آن درست نیست». (وسائل الشیعة ۲/۸۶۹)، جامع احادیث شیعه ۳/۴۴۴

* * * * *

از خداوند می‌خواهم که از این کار هم به نویسنده و هم خواننده بهره‌ای برسد و ما را به راه راست هدایت کند.

و سخن آخر حمد و سپاس برای خداوند، پروردگار جهانیان.